

فارکس به سبک پشوتن

آموزش فارکس در ۱۰۰ روز ...

1

مؤلف : پشوتن مشهوری نژاد

«مبایش» و تولیدکننده پیام آذرباد»



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :

بخش ششم (پایان مرح



سلام

من «پشوتن مشهوری نژاد» هستم،

مترجم کتاب دکتر بیل ویلیامز ،

ویک تریدر از نسل منقرض شده ی فارکس ایران !

اطلاعات تماس با مولف:

نام :

▪ پشوتن مشهوری نژاد

سابقه فعالیت :

▪ تالیف و ترجمه مقالات و

کتاب آموزشی فارکس

▪ مدرس دوره های آموزشی

▪ مشاور و تحلیلگر فارکس

تلفن تماس :

▪ ۰۹۳۹۵۹۷۸۵۱۱

ایمیل :

mailto:fx_pashootan@yahoo.com

فارکس به سبک پشوتن



روز بیست و هشتم. روش تشخیص قدرت يك «واگرایی» :

○ متاسفانه این چارت یورو شده مثل يك زنبیل ، پر از انواع و اقسام «واگرایی» های مختلف و رنگ وارنگ !
ماشالله هر مدلی اش رو هم که بخواهید ، میتونید توی تایم فریمهای مختلف این ارز پیدا کنید:

این تصویر مربوط به چارت یکساعته EURUSD است. همانطور که مشاهده میفرمایید یکی از قوی ترین انواع واگرایی ها ، در این تایم فریم شکل گرفته است!

آخه واگرایی از لحاظ قدرت و اعتبار انواع مختلفی داره. که البته تا حالا فرصت توضیح دادنش پیش نیومده است.

بد نیست حالا که ما نصفه شبی

همینجور بیکار نشستیم پای این چارت یورودار ملعون، حداقل این دو سه تا نکته رو هم درمورد واگرایی براتون بنویسم !



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

۱- هرچه واگرایی در تایم فریم های بالاتری شکل گرفته باشد، از میزان اهمیت و قدرت بیشتری برخوردار است.

۲- هرچه در نمودار مکدی، اختلاف ارتفاع دو قله از همدیگر بیشتر باشد، به معنی این است که واگرایی مذکور پر قدرت تر و خطرناک تر می باشد! (لطفا توجه بفرمایید که این نکات را برای واگرایی در يك «روند صعودی» نوشته ام، یعنی شما میتوانید برای «روند های نزولی» به سادگی بجای لغت «قله» از لغت «دره» استفاده نمایید.)

۳- این نکته از همه اش مهم تر است :

اگر در نمودار مکدی، بین دو تا قله ای که واگرایی رو تشکیل داده اند، يك دره نیز وجود داشته باشد، از اعتبار و میزان قدرت این واگرایی شدیداً کاسته میشود! یعنی به عبارت دیگر، بین دو قله (یادره) متوالی در مکدی، نباید اندیکاتور از خط صفر عبور کرده باشد!

البته توی خیلی از کتب و منابع فارکسی که توسط خدایان فارکس! تالیف شده، اینطور نوشته اند که:

«اگر بین دو قله يك دره وجود داشته باشد، دیگه واگرایی مذکور اصلاً معتبر نخواهد بود!»

ولی تجربه شخصی من اینطوری میگه که:

«چرا! باز هم معتبر خواهد بود، ولی از میزان قدرتش یه نره کاسته میشود!»

حالا شما دیگه خودتون مختار هستید که حرف خدایان فارکس رو قبول بفرمایید،

یا من رو بعنوان يك تریدر دست ششم!

آهان ، راستی این هم يك شكل، برای اینکه بهتر بتوانید متوجه مطلب بشوید:



○ همانطور که ملاحظه میفرمایید ، در این تصویر، بین دره های «اندیکاتور» و «قیمت» يك واگرایی بوجود آمده است، که این واگرایی باعث شده است تا روند نزولی ناگهان تغییر جهت یافته و با سرعت فوق العاده ای به سمت بالا بپرد!
از دید خدایان فارکس، چون بین اون دو تا «دره» در نمودار مکدی، يك «قله» وجود داشته است، پس این واگرایی اصلا معتبر نبوده است!
به نظر شما چطور ؟ نبوده است؟!

۴- هرچه فاصله دو قله در نمودار مکدی، از همدیگر دور تر بشود ، میزان قدرت و اعتبار واگرایی مذکور نیز کاهش بیشتری خواهد یافت.

این هم که واضح است دیگه، مثلا يك قله این ور چارت باشه، يك قله دیگه شش کیلومتر اون ور تر(!) نیاید این دو تا را بهم وصل کنید، بعد بگویید: «بفرما! این هم يك واگرایی!!»

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

○ در تحلیلهای «میان مدت» بعنوان مثال مانند «تحلیلهای هفتگی» صرفا با سه تایم فریم ، سروکار داریم:

- ۱- تایم فریم هفتگی : W1 بررسی کندلی.
- ۲- تایم فریم روزانه : D1 بررسی روندی.
- ۳- تایم فریم چهارساعته : H4 بررسی پترنی.

بعنوان نمونه اکنون (درواقع دیشب) يك بررسی مختصر را بر روی زوج ارز پونددلار انجام داده ام ، که نتیجه این بررسی را به شرح زیر خدمتتان تقدیم میکنم .

فقط چون این اولین تحلیل هفتگی است که خدمتتان ارایه میکنم، شاید لازم باشد تا دو نکته مهم را خدمتتان تاکید نمایم:

نکته اول - جنبه آموزشی!

یادتان باشد که این صرفا يك «تحلیل میان مدت» با مقصود آموزشی است! و مطلقا دستورالعملی برای تریدکردن ویا پوزیشن گرفتن نمی باشد. درواقع بهتر بود که چنین تحلیلی را ابتدا برای هفته های گذشته و یا بر مبنای يك چارت ذهنی و خیالی ، انجام میدادیم ، ولی به دلیل آنکه از ابتدا مهمترین اصل ما در این تایپك، آموزش بر مبنای مثالهای واقعی و در بازار واقعی بوده است، لذا بجای استفاده از چارتهای و نمودارهای قدیمی و غیرواقعی ، وضعیت فعلی و جاری در مارکت را بررسی میکنیم.

نکته دوم - فلسفه تحلیل میان مدت!

لطفا دقت بفرمایید که در تحلیلهای هفتگی، درواقع مهمترین هدف ما صرفا «ارزش گذاری بر روی سطوح مهم و سرنوشت ساز» چارت است!

نه اینکه





اگر بخواهم برایتان مثالی عینی بزنم ، باید بگویم که مانند آن است که شما دارید با يك دوربين ماهواره ای و از بالا به مسير در پيش روی يك «گله گاوميش رم کرده» نگاه میکنید! و سعی میکنید به دقت موانع طبیعی ویا غیرطبیعی پيش روی آنها را پیدا کرده و خودتان را برای نظاره حرکات آتی این گله، آماده نمایید.

بعنوان مثال اگر متوجه شدید که در جایی از تصاویر پيش روی تان ، هر پدیده ای مانند کوه، دره، باتلاق ، رودخانه ، علفزار ، ... و خلاصه هرچیزی که میتواند بعدا در مسير آتی این گله تاثیر بگذارد، وجود داشته باشد، آنها را به دقت در «نقشه راه»ی که برای خودتان ترسیم نموده اید، مشخص میکنید، تا بعدا هر زمان که «گله» مذکور به یکی از آنها رسید، شما خودتان را از قبل برای نوع اتفاقی که احتمالا برای این گله رخ خواهد داد، آماده کرده باشید.

مثلا اگر «گله»ی مذکور به يك باتلاق نزديك شود، شما از قبل آمادگی سقوط و گرفتار شدن تعداد زیادی از این گاوميش ها را در آن مکان ، برای خودتان پيش بینی نموده و احتمال داده اید!

پس یکبار دیگر تاکید میکنم که فی الواقع هدف ما از انجام يك «تحليل میان مدت» مانند «تحليل هفتگی» مطلقا این نیست که بعنوان مثال از روز آغازین هفته ، برای کل هفته آینده ، پيش بینی کنیم که مثلا «بعله ، قیمت دقیقا تا فلان نقطه بالا خواهد رفت و سپس از آنجا مجددا تا فلان نقطه سقوط خواهد کرد...» و الی آخر .

بلکه هدف ما صرفا این است که سطوح مهم قیمت را که احتمال میدهیم در طی روزهای آینده ، قیمت با رساندن خود به آن سطوح، درگیر با پاره ای نیروهای حمایت-مقاومتی گشته و دچار حرکتی غامض و غیرقابل پيش بینی گردد، از هم اکنون خودمان را برای مواجه با چنان شرایطی آماده و تجهیز کرده باشیم.

به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

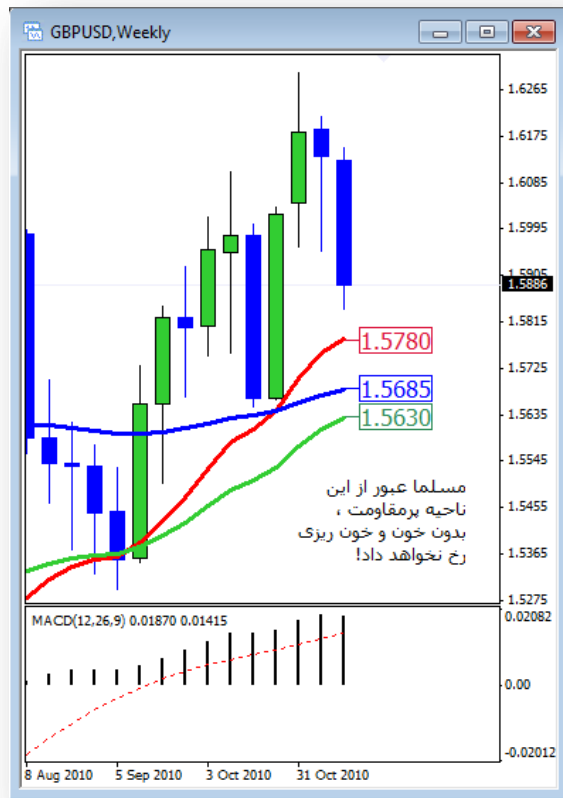
مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ تحلیل میان مدت : GBPUSD

بسیار خوب، پس از توجه به نکاتی که فوقا عرض شد، هم اکنون به آغاز «تحلیل میان مدت پوند دلار» می پردازیم. همانطور که در پست قبل خدمتان عرض شد، در تحلیلهای میان مدت مانند تحلیلهای هفتگی، صرفا از سه تایم فریم هفتگی، روزانه و چهارساعته استفاده میکنیم.



○ بررسی تایم فریم هفتگی :

در تایم فریم های هفتگی صرفا به دو الی سه کندل آخر ، نگاه میکنیم. چون این تایم فریم آنقدر بزرگ است که معمولا و بویژه اگر قیمت در روند مناسبی قرار داشته باشد قیمت در کندل جاری حتی به انتهای کندل قبلی خودش هم نمیرسد! بعنوان مثال در همین تصویر فوق، به کندلهایی که اندکی قدیمی تر هستند نگاه بفرمایید! منظورم از حدود دو ماه پیش است که کندلها برای مدتی نسبتا طولانی، اکثرا به **رنگ سبز** درآمده اند و همگی يك به يك و

كاملا با نظم و ترتیب ، هر يك دقيقا يك پله بالاتر از دیگری ایستاده اند.

یعنی در آن برهه ، درواقع هیچ کندلی موفق به رسیدن به پایین ترین نقطه ی کندل قبلی خود نشده است! پس اگر بعنوان مثال ، بجای امروز ، حدودا یکی دو ماه پیش قصد بررسی این چارت را داشتیم،

میتوانستیم به سهولت يك خط (یا مستطیل) را در نقطه ی **LOW از کندل ماقبل آخر** ، رسم کنیم

به
سبک

فارکس

پشتون

- و انتظار داشته باشیم که در طول هفته بعدی ، قیمت هرچقدر هم که پایین بیاید ، احتمالا موفق به رسیدن به این نقطه نخواهد شد. چه برسد به آنکه بخواهد از این نقطه به سمت پایین تر نیز عبور نماید!
- البته دقت بفرمایید که این صرفا يك موضوع آمار-احتمالی است ، و ضمنا فقط برای بازه های زمانی خاص صادق است ، که بازار برای چند هفته ی متوالی ، در روندی مشخص و یکسویه مسیر خود را ادامه میدهد.

➤ نکته ۱ :

معمولا در تایم فریم های هفتگی، هر کندلی به اندازه يك پله ، بالاتر (یا پایین تر) از کندل قبلی خود قرار میگیرد. و بنابراین می توانیم در انتهای مقابل کندل ماقبل، يك خط یا سطح را در نمودار خودمان مشخص کنیم. تا در طول روزهای آینده (در صورت عدم تغییر روند بلندمدت) نگرانی از بابت نزدیک شدن قیمت به این سطح را نداشته باشیم.

اجازه دهید تا بازهم بعنوان مثالی دیگر ، توجه شما را به بخش سمت چپ تصویر، یعنی همانجایی که چندین کندل آبی رنگ بطور متوالی با يك ترتیب نزولی ، در کنار هم چیده شده اند، جلب نمایم. برای این کندلها نیز مشاهده میفرمایید که برای مدت زمانی در حدود يك ماه، در هیچ کندلی ، قیمت هرگز موفق به شکست **نقطه High کندل ماقبل** خود ، به سمت بالا نشده است. و این قاعده تا اولین تلاقی قیمت با شاخ کندل قبلی ادامه یافته ، که از آن به بعد روند بلندمدت مارکت، بطور کامل دگرگون شده و تغییر جهت داده است. پس :

به
سبک

فارکس

پشتون

➤ نکته ۲ :

در تایم فریم های هفتگی،

معمولا در صورتیکه در کندل جاری ، قیمت از «انتهای مقابل» کندل قبلی خودش عبور نماید، میتواند به معنی هشدار برای تغییر روند بلند مدت بازار تلقی گردد.

پس این هفته که گذشت، اما از هفته های بعدی ، هر زمان که مشاهده کردید که قیمت از چنین سطوحی با قدرت عبور نمود، میتوانید خودتان را برای يك «تغییر روند» بزرگ و نسبتا بلند مدت، آماده نمایید! در این صورت مدت زمان احتمالی و همچنین بزرگی و دامنه حرکت روند جدید، بستگی به وضعیت کندل آخر در مقایسه با وضعیت مووینگها دارد، که بعنوان مثال آیا قیمت در بالای مووینگها واقع است یا در پایین آن؟ معمولا اگر کندل جاری بصورت صعودی و در بالای مووینگهای سه گانه ، قرار داشته باشد، میتوانین انتظار يك روند طولانی تر و بزرگتر را داشته باشیم. و بالعکس اگر قرار باشد که قیمت در خلاف جهت و از دل مجموعه مووینگها عبور نماید، قاعدتا با امواجی ضعیف ، پروقفه و اصلاحی مواجه خواهیم بود که بدون بازگشتهای مکرر، عبور از ناحیه محصور بین مووینگها ، میسر نخواهد شد. در واقع از این نکته بیشتر برای تعیین يك برآورد کلی نسبت به **تارگت های خودمان** استفاده میکنیم.

➤ نکته ۳ :

در صورتیکه جهت کندل آخر ، برخلاف موقعیتش نسبت به مووینگها باشد، انتظار روندی پروقفه و مملو از بازگشت ها و امواج اصلاحی مکرر را داریم. در این حالت قیمت سخت ترین لحظات خود را ، به هنگام عبور از ناحیه محصور و فشرده بین مووینگهای جادویی ، تجربه خواهد نمود!

پس بعنوان مثال در همین هفته ای که در پیش رو داریم، اگر تصمیم بازار بر ادامه روند نزولی GBP به سمت پایین باشد، مسلما برای عبور از ناحیه محصور بین مووینگها

(یعنی ناحیه ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ بین سطوح ۱۹۷۸ ، تا ۱۹۶۳) با مقاومتها دشواری های

○ توصیه بنده به شما چنین است که اگر

در روزهای آینده ، سوار بر پوزیشنی سودآور از نوع **SELL** به پیش می تاختید،
و متوجه شدید که قیمت قصد عبور از ناحیه مقاومتی مذکور را دارد،
دندان طمع سودهای چند صد پیپی را از ریشه در آورید،
و صرفا به تارگتهایی کوچکتر و قابل در دسترس تر ، قناعت کرده و رضایت بدهید.

احتمالا عبور قیمت از ناحیه مذکور(البته اگر بنا بر ادامه روند نزولی باشد؟)

موجب شکل گیری ناحیه های طولانی مدت رنج و **NTZ** و همچنین
تشکیل روندهای اصلاحی صعودی و کوتاه مدت ، خواهد شد
که همه اینها موجب افزایش اشتباهات تریدرهای نوآموز شده ،
و حجم بزرگی از موجودی اکانت ها ایشان را راهی جیبهای مبارک
بروکرهای مارکت میکر خواهد نمود!

انشالله که شما با اطلاع قبلی و کافی که از این موضوع دارید،
خودتان را از پیش برای مواجه با چنین روزهای نامساعد و پرریسکی ، آماده کرده
و به پیشواز خطرات آن نمیروید.

و نهایتا آخرین نکته ای را که درباره تصویر فوق میتوانم خدمتتان بگویم، همان نکته قدیمی است که:

فارکس
به
سبک

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

«مووینگها در تایم فریم های بالا نقش سطوح حمایت-مقاومت را ایفا میکنند!»

بنابراین در صورت ادامه یافتن روند نزولی مارکت، میتوان اعداد زیر را (با تلورانس ± 0.05 پیپ بالا یا پایین) بعنوان اولین سطوح حمایتی در مقابل قیمت، در نظر گرفت:



سطوح حمایت و مقاومت فعلی:

(۱) سطح حمایتی ضعیف ۱.۰۵۷۸۰

(۲) سطح حمایتی قوی ۱.۰۵۶۸۵

(۳) سطح حمایتی متوسط ۱.۰۵۶۳۰

فکر میکنم تاکنون دیگر حتما یاد گرفته اید که میزان قدرت و ضعف این سطوح را از کجا میتوانیم متوجه بشویم؟

به سبک

فارکس

پشتون

بررسی تایم فریم روزانه :



اکنون که از تایم فریم هفتگی فارغ شدیم، نگاهمان را به قاب زمانی یک درجه نزدیکتر، یعنی **تایم فریم روزانه D1** می اندازیم :
 حتما میدانید که در تایم فریم روزانه فاصله هر دو «خط چین عمودی» معادل با یک ماه میلادی است.
 یا بعبارت دیگر تعداد کندلهایی که در بین هر دو خط چین عمودی و متوالی ، درکنار یکدیگر چیده میشوند برابر با عددی در حدود ۳۰ کندل است.
 همچنین هر ۵ کندل متوالی نیز تشکیل یک هفته را میدهند.

که البته در برخی از بروکرها بدلیل اختلاف زمانی، وساعت باز شدن زود هنگامشان در نیمه شب یکشنبه، یک کندل فرعی اضافه را هم (که شاید صرفا یک یا دو ساعت بیشتر طول نکشیده باشد!) بصورت کندلی کامل نمایش میدهند.
 بنابراین برای چنین بروکرهایی هر ۶ کندل متوالی معادل با یک هفته کامل خواهد شد.
 حال ببینیم از تصویر بالا ، که بر روی قاب روزانه پوند دلار نقش بسته است، چه اطلاعات اضافه و مفیدی را میتوانیم برای خودمان استخراج کنیم.



○ شاید زیباترین چیزی که در این تصویر قابل مشاهده است،

عکس العملی باشد که نمودار به هنگام ملاقات با **مووینگ آبی رنگ** از خود نشان داده است! در واقع همانطور که قبلا بارها گفته ام

مووینگ آبی رنگ در بین برادران هم طبقه خود،

همواره نیرومندترین مقاومت را درنبرد با قیمت از خود به نمایش میگذارد!

و در اینجا نیز بخوبی ملاحظه میفرمایید که

چگونه قیمت درطول حرکت نزولی اخیر خود،

پس از آنکه مووینگهای **قرمز** و **سبز** را به سهولت،

و یکی پس از دیگری، پشت سر گذاشته است،

در مواجهه با برادر بزرگتر (**مووینگ آبی**)

به مانعی سخت برخورد، و نهایتا

پس از اندک زمانی زورآزمایی،

تصمیم به عقب نشینی و احیانا استراحت

برای تجدید قوایی دوباره گرفته است.



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ اگر بخواهیم مطابق معمول، سطوح حمایت و مقاومت را نیز بر مبنای ارتفاع مووینگها مشخص کنیم، به مقادیر زیر خواهیم رسید:

۱- **مووینگ قرمز ۱.۶۰۱۵** : سطح حمایت که شکسته شد و اکنون در حکم يك سطح مقاومت در برابر حرکت به سمت بالای قیمت میباشد.

۲- **مووینگ سبز ۱.۰۹۵۵** : سطح حمایت که شکسته شد و اکنون در حکم يك سطح مقاومت در برابر حرکت به سمت بالای قیمت میباشد.

۳- **مووینگ آبی ۱.۰۸۳۶** : سطح حمایت که همچنان معتبر است و فعلا اولین قیمتی است که در صورت ادامه روند نزولی، در مقابل حرکت رو به پایین چارت ایستادگی خواهد نمود.

نکته:

در برخی ایام که قیمت يك روز کامل را، در شرایط رنج و مبهم به سر برده است، چون اساسا هیچ قله و دره ی معنی دار و قابل اعتنایی، بعنوان رکورد روزانه جدید، در اذهان تریدرها، ثبت نگردیده است، این موضوع یعنی
«اهمیت سقف/یا کف) روز قبل»
جای خودش را به اهمیت
«سقف/یا کف) ۲ روز قبل» میدهد!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

توجه : لطفا این قسمت را نخوانید !

○ اگر در گروه «شیفتگان تئوری امواج الیوت!» قرار دارید ،
و اصرار دارید که تمام بالا و پایین شدن های بی دلیل مارکت را هم ،
به زور(!) در قالب پلکانهای پنج تایی و سه تایی ببینید!
پس شاید بتوانید سناریویی را به شرح زیر برای خودتان بازسازی و تجسم کنید:

قیمت پس از طی ۵ موج صعودی تهاجمی (ایمپالسیو) هم اکنون در فاز اصلاحی و نزولی خود قرار گرفته است
و در حال اجرای يك موج اصلاحی ۳ تایی از نوع abc است ، که موج a در حوالی ۱.۵۹۵۰ به پایان رسیده ،
و هم اکنون نیز موج C در حال شکل گیری کامل است .

اگر بخواهید بر مبنای آنچه که از دانش الیوتی خود آموخته اید، نقطه ای را بعنوان تارگت احتمالی موج C مشخص کنید،
باید از ترکیب دو ابزار فیبوناچی مختلف استفاده کرده و ناحیه اشتراك بین این دو را - بعنوان محتمل ترین هدف برای
پایان موج - C مشخص کنید:

«در مجموع و بصورت آماری ، ترید نکردن در ساعات پایانی شب ،
بسیار سودآور تر و مفیدتر از بیدار ماندن و استراحت نکردن و
سروکله زدن با بازار می باشد!»

○ همانگونه که در شکل فوق مشخص است ، دو نوع فیبوناچی متفاوت را به شرح زیر انتخاب نموده ایم:

۱- فیبوناچی از نوع **Retracement** که با **رنگ قرمز** مشخص شده ، و دو انتهای موج ایمپالسیو صعودی را به یکدیگر متصل نموده است. یعنی ابتدای موج (۱) را به انتهای موج (۵) وصل کرده ایم.

۲- فیبوناچی از نوع **Expansion** که با **رنگ مشکی** مشخص شده ، و آن را بر روی ابتدا و انتهای موج اصلاحی **abc** قرار داده ایم.

ناحیه محصور بین سطوح **قرمز** و **مشکی** - که آن را «**کلاستر اصلی**» می نامیم - ناحیه هدف برای انتهای موج **C** از سری اصلاحی **abc** است.



یعنی بیشترین احتمال را برای نقطه پایانی موج **C** برای این ناحیه قایل هستیم. این کلاستر را در شکل فوق ، با **رنگ آبی کمرنگ** برایتان مشخص کرده ام.

به سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

تحلیل میان مدت - GBPUSD ادامه :

○ اگر خاطر مبارکتان باشد ، اولین جمله ای که امروز را با آن آغاز کردیم این بود که:

برای تحلیلهای میان مدت مانند «تحلیل هفتگی» باید از سه تایم فریم هفتگی **W1**، روزانه **D1** چهارساعته **H4** بصورت زیر استفاده کنیم:

- ۱- تایم فریم هفتگی **W1** : بصورت کندلی.
- ۲- تایم فریم روزانه **D1** : بصورت روندی.
- ۳- تایم فریم ۴ ساعته **H4** : بصورت پترنی.

مطمئناً امروز صبح ، هنگامیکه برای اولین بار عبارات فوق به گوشتان رسیده بود، تجسم معنی و مقصود نگارنده از این کلمات ، برای تان اندکی غامض و دشوار می نمود، و حتی شاید خیلی خویشتنداری بخرج دادید تا دکمه «ارسال پرسش» را برای درخواست توضیحات اضافه تر، فشار ندهید!

اما امیدوارم اکنون که دو مرحله از سه مرحله فوق را پشت سر گذاشته ایم، به آرامی و به تدریج درک صحیحی از «روش تحلیل هفتگی» در ذهن و فکر شما نقش گرفته باشد. اجازه دهید تا اندکی واضح تر بگویم:

فارکس
به
سبک

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ ۱- هنگامیکه درباره **تایم فریم هفتگی W1** صحبت میکردیم.

صرفا درباره تك كندل پایانی چارت سخن گفتیم و حداکثر وضعیت دو تا سه کندل قبل تر از آن را هم نیم نگاهی انداختیم.

شاید اگر با یکی از آرایشهای کلاسیک کندل استیک از قبیل : میخ (Hammer)، مردآویزان (Hanging Man)، ستاره صبح گاهی (Morning Shouting Star) و غیره.... نیز مواجه میشدیم ، فرصتی دست میداد تا لختی هم درباره این الگوها و تاثیر احتمالی شان بر وضعیت آتی مارکت در هفته اخیر، بحث و گفتگو میکردیم.

خلاصه آنکه میخواهم چنین بگویم که تایم فریم هفتگی درمقیاس ابعادی که ما درون آن ترید میکنیم آنقدر بزرگ است و آنقدر عظیم ، که صرفا يك یا دو کندل پایانی آن نیز برای دستیابی به عمده اطلاعاتی که ما برای آگاهی از وضعیت پیش روی معاملاتمان در هفته جاری نیاز داریم، کفایت خواهد نمود! بنابراین تمام بررسی ما بر روی تایم فریم غول آسای هفتگی، محدود شد به مشاهده تك كندل های پایانی چارت، و مقایسه ترتیب ، رنگ ، شکل ظاهر و ساختار این کندل ها با آموخته هایی که قبلا از مقوله هایی چون «الگوهای کندل استیک» داشته ایم. همین برای ما واقعا کافی بود تا به برآوردی کلی از روند و وضعیت آتی بازار در پنج روز کاری پیش رو خودمان ، دست یابیم.

۲- اما هنگامیکه حوضه دید خودمان را تا محدوده **تایم فریم روزانه D1** کوچکتر کردیم، اگرچه هنوز ابعاد چارت بسیار بزرگتر از تایم فریم های معاملاتی ما بود، اما با اینحال وضعیت تعدادی ، شاید در حدود ۲۰ یا ۳۰ کندل ، برای تشخیص آنچه که ما از آن به «**ارزش گذاری سطوح قیمت**» نام بردیم ، کاملا کافی بود.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

تا بعنوان مثال متوجه شویم که در هفته آتی ، کدام اعداد هستند که در صورت عبور قیمت از آنها، با تغییر روند کلی بازار مواجه خواهیم شد؟

و یا در کدام نواحی ممکن است لازم باشد تا احتیاط بیشتری را برای گرفتن پوزیشن (به فرض) از نوع **پیش خرید** یا **پیش فروش** از خود نشان دهیم ؟

و سوالاتی از این قبیل ، که «نقشه راه» دقیق و مناسبی را برای آگاهی از انواع موانع پیش روی بازار و یا پیچ و خم هایی که قیمت طی روزهای آتی با آنها روبرو خواهد شد ، برایمان ترسیم میکند.

بنابراین در تایم فریم روزانه، بجای تاکید بیهوده بر شکل و ظاهر کندلها و یا کنکاش بدنال الگوهای کندل استیک، به بررسی روند جاری بازار، برمبنای موقعیت تعداد بیشتری از کندلهای پایانی چارت، پرداختیم ، و سعی کردیم تا با دقت در گذشته نمودار و همچنین با کمک گرفتن از ابزارهایی چون مووینگهای جادویی و غیره ، سطوح **حمایت** و **مقاومت** اصلی را ، برای هفته آتی جستجو نماییم. در واقع مقیاس های روزانه و هفتگی در مقایسه با اندازه معاملات ما ، آنقدر بزرگ هستند که در تمام طول پنج روز آینده، تقریبا عمده مطالبی را که ما از تایم های روزانه و هفتگی استخراج کرده ایم، علی رغم تمام حرکات و اشکالی که ممکن است از این به بعد نمودار به خودش بگیرد، اصلا هیچ تفاوت معنا داری را ، در نوع و مقدار این اطلاعات استخراج شده ، ایجاد نخواهد کرد.

۳- اما هنگامیکه که به مقیاس کوچکتری چون تایم فریم چهارساعته **H4** می رسیم ، دیگر ابعاد نمودار و اندازه موج هایی که ما قصد سوار شدن بر آنها را داریم ، آنقدر کوچک شده اند که مستقیما تاثیرگذار بر نوع و مقدار سود و زیان پوزیشنهای ما باشند. و لذا در تایم فریم چهارساعته (همانطور که در پست بعدی مشاهده خواهید نمود) به جستجوی امواج و حرکات جاری در مارکت میپردازیم ، و بویژه اگر برخی «الگوهای تکنیکال» و «پترن های کلاسیک» را مشاهده کردیم، چنین مواردی را در «نقشه راه» خود ثبت نموده ، و می توانیم برمبنای آنها ، انتظاراتی را برای وضعیت احتمالی بازار در هفته پیش رو ، لحاظ نماییم.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ بررسی تایم فریم چهارساعته : H4

اولین چیزی که با نگاه به تایم فریم چهارساعته مشخص میشود، علت نزول ۲۰۰ پیپی و ناگهانی روز گذشته پوند، در اثر شکسته شدن **خط روند صعودی سبزرنگ** است. با توجه به اینکه در تایم فریم H4 فاصله هر دو خطچین، دقیقا معادل با یک هفته است، بنابراین به سهولت می توان مشاهده نمود که قیمت برای سه هفته متوالی، حرکت صعودی خود را بر **فراز خط روند مذکور** انجام میداده، تا اینکه نهایتا با شکسته شدن ناگهانی این **خط روند**، ریزش شدید و غیرمترقبه ای در پیامد آن شکل گرفته است. برای محاسبه تقریبی حداقل تارگت حرکت نزولی اخیر، میتوان از قانون «ریزش» استفاده نمود.

➤ نکته - قانون «ریزش» :

قیمت، پس از شکسته شدن یک خط روند صعودی،

معمولا حداقل به اندازه فاصله آخرین قله تا خط مذکور را، به سمت پایین سقوط میکند.



- اگر قصد استفاده از این قانون را در سایر معاملات خود دارید، لازم است که توجه شما را به سه نکته مرتبط جلب نمایم:

۱- واضح است که مهمترین کاربرد این قانون، محاسبه حداقل تارگت احتمالی، به هنگام گرفتن پوزیشنهای **Sell** بر مبنای شکست خطوط روند است.

از این قانون برای سایر موارد غیراستاندارد (مانند تعیین استاپ لاس و غیره) استفاده نفرمایید.

۲- این فاصله، کمترین میزان «ریزش قیمت» را برآورد میکند، و مسلماً سقوط واقعی نمودار، میتواند بسیار بیش از این مقادیر باشد!

۳- اگرچه این قانون از «بورس یکطرفه و سنتی» وارد «بازار دوطرفه فارکس» شده و بنابراین عمدتاً برای شکست

روندهای **صعودی** صادق است، اما بهرحال صرفاً بعنوان یک برآورد کلی برای تعیین تارگت پوزیشنهای **Buy** خود نیز میتوانید از معکوس قاعده فوق، هنگام شکست خطوط روند نزولی، استفاده نمایید.

اما دومین نکته ای که در چارت فوق قابل مشاهده است، برخورد قیمت با خط روند بلندمدت و **قهوه ای رنگ** است، که ظاهراً بلافاصله پس از این برخورد، قیمت از هجوم اولیه خودش تا حد زیادی پشیمان شده است.

البته قاعدتاً چند عامل مختلف از قبیل حمایت مووینگ **آبی رنگ** در تایم بالاتر، کلاستر تارگت موج C الیوت، قانون ریزش و نهایتاً برخورد با همین خط روند قهوه ای رنگ، همگی دست به دست هم داده اند تا با تشکیل یک سطح **حمایتی** پر قدرت، در برابر ریزش قیمت ایستادگی نموده و از سقوط بیشتر آن جلوگیری نمایند.

بهرحال اگرچه این تصویر متعلق به ساعتها پیش و در واقع نیمه شب دیروز است، اما با اینحال به نظر میرسد که باتوجه به وضعیت مووینگها و همچنین شیب نزولی مکدی، نمیتوان فعلاً به آغاز مجدد و زود هنگام روند صعودی پوند، چندان امیدوار بود.

و حتی اگر هم قیمت تصمیم به توقف حرکت نزولی خود بگیرد، احتمالاً تا آرایش مجدد مووینگها،

مجبور خواهد شد که مدت زمانی را در فاصله بین خطوط روند سبز و قهوه ای نوسان نماید.

و البته در صورت ادامه یافتن روند نزولی و شکست خط روند قهوه ای رنگ، میتوانید مجدداً

بر مبنای >

○ آخرین نکته و درواقع **مهمترین توصیه اکید** من به شما دوستان عزیزم این است که :

دیدگاه فلسفی :

دقت بفرمایید که اساس و فلسفه کاری ما صرفا بر **«پیش بینی ناپذیر بودن ذات مارکت»** استوار شده است! فلذا تمامی مواردی که فوقا اشاره شد ، صرفا به جهت دستیابی به دیدگاهی جامع تر و دقیق تر ، نسبت به کلیه احتمالات پیش روی مارکت ،

و تجزیه و تحلیل بهتر حرکات آتی قیمت ، در هفته آتی بوده است.

و گر نه هیچکدام از موارد فوق به خودی خود و به تنهایی ،

نمیتوانند و نباید که بتوانند!

که دلیل و مستندی برای گرفتن پوزیشن ویا ورود زود هنگام به بازار باشند!

علی رغم مدت زمان چند ساعته ای که بنده برای نگارش این تحلیل ، و شما برای مطالعه آن ، صرف نمودیم،

هر لحظه ای که احساس کنیم که حال و احوال بازار مجددا تغییر نموده و بعنوان مثال

وضعیت مووینگها مجددا صعودی شده است،

در کشیدن خط بطلان بر تمامی مطالب مذکور و همگام شدن با جهت جاری بازار ،

لحظه ای را درنگ نخواهیم کرد!

در پایان ، امیدوارم که این گزارش - که سعی شد تا بیش از آنکه جنبه تحلیلی داشته باشد،

عمدتا جنبه آموزشی آن بچربد ، مورد توجه و حسن نظر شما قرار گرفته باشد،

و امیدوارم که دیدگاه بهتری را نسبت به اصول و قواعد انجام **«تحلیلهای میان مدت»** و بطور خاص

«تحلیلهای هفتگی» برای شما دوستان عزیز و بانگیزه ام ، ایجاد کرده باشد.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

نکته ای که ای کاش هرگز بدردتان نخورد :
تأثیر «جنگ» بر بازار فارکس!

○ به راستی امروز بر بازار چه گذشت؟!

يك نگاه به نمودارهای زیر بیاندازید ، تا خودتان حساب کار دستتان بیاید!



جالب است!

ظرف صرفا يك روز، یا درواقع صرفا يك تا دو کندل :

- یورو و پوند به ترتیب هرکدام به اندازه ۲۰۰ و ۱۵۰ پیپ سقوط کرده اند!

طلا به اندازه ۲۰۰۰ پیپ صعود کرده. یا بعبارت بهتر و در مقیاس وزنی، ارزش طلا در حدود ۲۰ دلار افزایش یافته است! (خوش به حال خانم ها!)

ین ژاپن که چندوقتی درحال تضعیف بود، ناگهان تغییر مسیر داده و صرفا از امروز صبح تا الان،

در حدود ۱۰۰ پیپ تقویت گشته است!

سوال - چه

✓ بله!

همانطور که احتمالا تا الان حدس زده اید:

جواب - وقوع نزاع بین کره شمالی و جنوبی!

البته من به ریز جزئیات اخبار فوق اصلا کاری ندارم!

و واقعا نمیدانم که دقیقا چه اتفاقاتی بین دو کشور فوق رخ داده است؟

و بعنوان مثال چه کسی تیر اول را در کرده است؟! و یا مثلا آیا احتمال بالا گرفتن جنگ بین

دو کشور مذکور وجود دارد یا خیر?!!

بلکه ما صرفا «جنگ» را بعنوان يك عامل «بحران ساز» که منجر به «ترس و بی اعتمادی عمومی» در بازارهای جهانی میگردد، مورد توجه قرار میدهیم.

بطور کلی هر عاملی که منجر به ایجاد ترس و دلهره در میان سرمایه داران غول پیکر جهان شود، از قبیل جنگ، تنش و التهاب سیاسی، کودتا، حتی سیل و زلزله و غیره ...، تاثیر یکسانی را بر وضعیت کلی بازار ارز میگذارد،

که این تاثیر دقیقا به همان صورتی است که امروز خودتان با چشم خویش، به وضوح در چارت ارزهای مختلف، مشاهده فرمودید!

تاثیر وقوع «جنگ» یا هر عامل بحران ساز بر بازار فارکس :

قبلا گفته بودیم که گردانندگان اصلی بازار ارز در دنیا، بانکها، موسسات مالی غول پیکر، شرکتهای چند ملیتی، و خصوصا بانکهای مرکزی کشورها هستند.

درواقع اینها هستند که جهت اصلی بازار را تعیین میکنند و با خرید و فروشهای کلان خود - و یا با تصمیمات،

سخنرانی ها، و حتی صرفا با سلايقشان - می توانند سمت و سوی روند حرکت يك ارز را بالا و پایین کنند.

ویژگی اصلی این سرمایه گزاران بزرگ، در این است که مانند بنده و شما نیستند

که ارز را برای بالا و پایین شدن بخرند.

بلکه «ارز» را صرفا از جنبه سرمایه گذاری، و روشی به نیت «حفظ ارزش پول خود»

و همچنین بازار نشر:

مرجع آموزش بورس

@abcBourse_ir

abcBourse.ir



به
سبک

فارکس

پشتون

○ بعنوان مثال همین چند وقت پیش بیاد دارید که بانک مرکزی ایران اعلام کرد که قصد دارد کلیه ذخایر ارزی خود را از «دلار» به «یورو» تبدیل نماید. که البته کاری به این نداریم که واقعا این کار انجام شد یا نه؟ ویا اینکه مقصود اصلی شان سیاسی بود یا اقتصادی؟

بلکه صرفا میخواهم این را بگویم که بعنوان مثال، وقتی سرمایه گذار بزرگی مانند بانک مرکزی يك کشور، مانند ایران، تصمیم به **SELL** کردن دلار و **BUY** کردن یورو میگیرد، دیگر مانند بنده و شما نیست که مثلا چند ساعت صبر کند تا نمودار ۵۰ پیپ بالا و پایین بشود و مجددا همان پوزیشن را ببندد!

بلکه او «ارز» مذکور را دقیقا مشابه يك کالا - مانند مثلا «طلا»، «نقره» یا حتی «سهام» - صرفا بقصد سرمایه گذاری و حفظ ارزش پول خود خریداری میکند.

دقیقا به همین دلیل است که بعنوان مثال، نرخ بهره بانکی که در بازار اعلام میشود، اینقدر میتواند موجب بالا و پایین شدن نمودار ارزهای مربوطه بشود چون بسیاری از سرمایه گذاران اینچنینی را، که «ارز» را صرفا به قصد سرمایه گذاری میخرند (یعنی درواقع «پول» را میخرند!) تشویق میگردند که حسابهای مالی خود را به ارزی تبدیل کنند که در پایان سال، بهره بانکی و سود سپرده گذاری بیشتری را نسیب شان کند.

بگذریم، احتمالا اینها را قبلا خودتان هم میدانستید.

آن چیزی را که امروز بنده میخواستم خدمتان عرض کنم، و جزو نکاتی است که هفت هشت سال پیش زمانی که ما شروع به خواندن فاندامنتال کرده بودیم اساتیدمان به ما می گفتند!، همین است که «چگونه وقوع يك جنگ در جهان میتواند موجب بالا و پایین شدن چارتهای ما بشود؟!»

تأثیری که «جنگ» یا هر عامل «بحران ساز» دیگر میتواند بر بازار بگذارد به این صورت است که با دلهره و تردیدی که درمیان سرمایه گذاران غول پیکر بازار ایجاد میکند، آنها را تشویق میکند تا سرمایه های خود را تبدیل به اقلامی نمایند که از ریسک و بی ثباتی سیاسی کمتری برخوردار باشند!

بعنوان مثال هنگام وقوع يك جنگ، گردانندگان بازار همواره پولهای خودشان را به اقلامی چون «طلا»، «دلار آمریکا»، «ین ژاپن» (و البته درپاره ای موارد هم «فرانک سویس») تبدیل میکنند،

و نتیجتا



○ بنابراین طبیعی است که امروز ، که مهمترین خبر در تمام سایتها و پورتهای خبرگزاری دنیا، همان خبر «شلیک موشک از این کره به آن کره!» بود ، سرمایه گزاران اصلی بازار دچار ترس و تردید شده و طبق نکته ای که ذکر شد ، شروع به Buy کردن ارزهای فوق نموده باشند. و نتیجتاً شکل نمودارهای مذکور به همانصورتی دربیاید که در تصویر بالا مشاهده فرمودید.

ممکن است اکنون بپرسید که :

دلیل خرید «طلا» یا حتی «دلار» را متوجه میشوم. چرا که سرمایه گزاران قصد دارند با خرید این اقلام که اندکی از پشتوانه و پایه و اساس محکم تری برخوردارند، ثروت خود را از مقابل جریانهای بی ثبات ساز و خطرآفرین سیاسی ، دور نمایند.

اما این را نمیفهمم که دیگر دلیل خرید «ین ژاپن» ویا «فرانک سویس» برای چیست؟! پاسخی که اساتید ما در سالهای دور به ما میدادند این بود که :

چون این کشورها - یعنی ژاپن و سویس - مملکتهایی جزیره ای ، بسته و با ثبات هستند و مردم دنیا معتقد هستند که احتمال درگیر شدن این کشورها در چنین جنگهایی بسیار بعید و دور از ذهن است. لذا فرانک و ین ژاپن را هم درمیان اقلام با ثبات منظور می نمودند.

اما باتوجه به شرایط فعلی دنیای معاصر ، و همچنین باتوجه به حرکاتی که امروز، این دو ارز از خود نشان دادند، به نظر میرسد که این سخنان اساتیدبنده نیز مانند خیلی از چیزهای دیگر، متأسفانه در وضعیت پیچیده و غامض و هزارفاکتوری این روزهای بازار فارکس ، چندان به مشابه سالهای دور ، ساده و صادق و قابل پیش بینی نمیباشد. باور بفرمایید که بنده چیز زیادی از فاندامنتال بلد نیستم، و کل چیزی هم که درباره «تاثیر جنگ بر بازار فارکس» می دانستم ،

صرفاً در حد همین دو جمله ای بود که دربالا اشاره کردم ، یعنی :

➤ وقوع «جنگ» در بازار فارکس موجب گران شدن

«طلا» ،

روز سی و پنجم.
موقعیت های طلایی امروز :

○ بسیار خوب.

طبق روال همیشگی ، ابتدا به بررسی تایم فریم پانزده دقیقه میپردازیم. و روند بازار را به همراه نواحی مناسب برای پوزیشن گیری ، در آن مشخص میکنیم.

تایم فریم ۱۵ دقیقه



آیا خاطرتان هست که در حدود ۱۰ روز پیش،
بازاری بسیار رنج و بدقلق را در پیش روی
خودمان داشتیم؟!

آیا یادتان هست که چقدر من فریادمیزدم (!) که:
«آقایان! خانمها! بازار رنج است!

پس بی دلیل سرمایه و اعتمادبنفس
خود را نابود نسازید!»

و چقدر خدمتتان قسم و آیه میاوردم که:

«باور بفرمایید هنگامیکه بازار مجدداً از شرایط رنج

و NTZ بیرون بیاید، آنچنان حرکات بزرگ ، ساده ،

آسان و خوشگلی (!) را انجام خواهد داد، که ده برابر

موقعیتهای امروزتان درآمد داشته باشید! »

خب، بفرمایید! این هم شکل بالا !

لطفا مشاهده بفرمایید. این هم همان روزهایی که بنده خدمتتان وعده داده بودم!

مسئله آنجور (!) بنده هم اگر امروز در کنار چارت نشسته بودند، در این سقوط بی وقفه و

- همانطور که در شکل فوق مشاهده می فرمایید، از دیروز بعدازظهر تاکنون، بازار یکسره در شرایط نزولی بوده است، در این میان دو ناحیه ی **SELL ZONE** بسیار مناسب را داشته ایم (مستطیل های **قرمز رنگ**)، و حتی در بین این دو، مدتی را نیز که بازار در شرایط **NTZ** قرار داشته (مستطیل **آبی رنگ**) چون صرفا بصورت **NTZ** خفیف و ناقص بوده است، پس می توانسته اید با خیال راحت پوزیشنهای **SellStop** خود را همچنان دست نخورده و فعال باقی نگه دارید. پس اینکه از چه زمانی متوجه شرایط نزولی شده ایم و خودمان را برای **SELL** کردن آماده کرده ایم، مشخص شد.

گام بعدی، به ثبت نمودن معاملات در زیر دره ها، اختصاص دارد. ابتدا از دره ها در همان تایم فریم **M15** آغاز میکنیم، که مسلما اعتبار آنها بیشتر از دره هایی است که بعدا در تایم **M5** پیدا خواهیم کرد:



به سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

○ دو دره ی اصلی که در تایم فریم ۱۵ دقیقه قابل مشاهده هستند
 را با خطوط سیاه رنگ برایتان مشخص کرده ام و پوزیشنهای **SELL STOP** مربوطه را نیز با
 اعداد ۱ و ۲ نشان داده ام.
 ممکن است در ابتدا، برای انتخاب حد ضرر، بگونه ای که
 در محدوده ۳۰ الی ۵۰ پیپی موردعلاقه ما قرار داشته باشد، دچار مشکل شوید.
 ولی بزودی، هنگامیکه پاسخ مسابقه هفتگی نوبت اخیر را برایتان بگویم،
 یک راه حل جدید را نیز برای انتخاب استاپ لاس معقول، برای اینچنین حرکتهای بزرگ، یاد خواهید گرفت!

اما نکته دومی که در شکل فوق جلب توجه میکند، وقوع **واگرایی** در تایم فریم M15 است.
 (که آن را با خط قهوه ای رنگ مشخص کرده ام)

تقریباً از دیشب تا حوالی ظهر امروز (بوقت تهران) یک **واگرایی** بین دره های مکدی و دره های قیمت به وضوح قابل
 مشاهده بوده است.

اما فشار نزولی فروشندگان آنچنان نیرومند بوده است، که این واگرایی همانند «**پنیرسفید خوشمزه و مقوی آمل**» که
 هنگام خوردن صبحانه در کنار خانواده، آن را از وسط با کارد خودتان نصف می کنید،
 در نقطه ای که با **دایره قرمز رنگ** مشخص کرده ام، در هم شکسته و نابود گشته است!
 (مریم خانم، یادتان باشد در حسابداری تبلیغات آخر ماه، قبض های لازم را برای کارخانه کاله بفرستید!)

همانطور که قبلاً گفته بودیم «**شکسته شدن یک واگرایی**» خودش میتواند سیگنال قدرتمند
 برای ادامه مسیر باشد. بنابراین در نقطه ای که با **دایره قرمز رنگ** مشخص کرده ایم،
 که از قضا تقریباً مصادف با فعال شدن پوزیشن شماره (۱) شده است.

سیگنال پ

○ بسیار خوب ، تا اینجا گفتیم که :

۱- در تایم فریم M15 روند نزولی بود.

۲- از حوالی ظهر به بعد ،

شرایط برای **سل** کردن مهیا شد.

و قیمت به زیر مووینگ قرمز رفت.

۳- اندکی صبر کردیم تا هم شیب مووینگها

به حداقل لازم برسد و هم فاصله شان

از همدیگر مناسب بشود.

۴- دره های تایم فریم M15 را

مشخص کردیم و دقیقا در زیر آنها

(که البته فقط ۲ تا دره بیشتر نبودند!)

دوتا **سل استاپ** جانانه گذاشتیم!

۵- تایم فریم خودمان را کوچکتر کردیم

و به سراغ قله ها و دره های M5 رفتیم

.... و اینک ادامه داستان!



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ نقاط (۱) و (۲) که قبلا بر مبنای تایم M15 بدست اومدن، پس بقیه نقاط را بر مبنای دره های همین تایم فریم یعنی M5 مشخص می کنیم. یعنی باید زیر این نقاط پوزیشن **SELL STOP** تعریف میکردید، و حد ضرر خودتون رو هم که اگه مصلا ... ببخشید مثلا ... بر مبنای روش «ویلیامز کبیر» انتخاب میکردین، باید به اندازه دو تا قله به عقب میرفتید، و می گذاشتید در بالای قله ماقبل آخر. اگه جزو کسانی هستید که چندین سال بعد دارین این تاپیک رو میخونید(!) و از کم و کیف بازار امروز خبر نداشتین، اون بغل - درگوشه سمت راست تصویر - میزان ریزش امروز یورو را براتون مشخص کردم، تا بدونید که این پوزیشنها قاعدتا همه شون توپ به شاگردان عزیز من حال داده اند!!

آخرین نکته هم اینکه ، برای امشب اگه کسی خدایی نکرده خواست شب زنده داری کنه(!) میتونه انتظار داشته باشه که با بیدار شدن مردم در این ور کره زمین، تازه از شلیک شدن موشکهای کره شمالی باخبر بشوند،

و نتیجتا ارزهای شب زی یعنی AUDUSD , NZDUSD , USDJPY شروع به تقلید حرکات امروز یورو بکنند! در مورد این ژاپن همانطور که اساتید سایت فرمودند، شاید به دلیل نزدیکی با کره جنوبی ، وضعیت کمی پیچیده تر بشود ...؟

خلاصه برای فرداتون هم فقط دعا کنید که

یک بادکنکی ، پشه ای چیزی از کره شمالی به سمت کره جنوبی (یا برعکس) به پرواز در بیاد!!

در آن صورت بنده به شخصه ۲۰۰ پیپ سقوط بیشتر را ، روی شاخص تضمین خواهم کرد!!

اگر این اتفاق افتاد ، و یورو بازهم ریخت، اعداد زیر میتونن مقاومتهای احتمالی پیش روی قیمت باشند :

۱.۳۲۸۰ -

۱.۳۲۴۰ -

۱.۳۱۸۵ -

این اعداد از ترکیب سه ابزار فیبوناچی متفاوت ، بر روی تایم فریم های روزانه و چهارساعته بدست آمده است

و البته در

ولی خبر

به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر

تحلیل هفتگی پوند :

- با سلام خدمت کلیه دوستان عزیز و عرض تبریک پیشاپیش بابت عید سعید غدیر، خدمت همه خوانندگان گرامی. میخواهیم نیم نگاهی به تایم فریم هفتگی پوند دلار بیاندازیم، و یکبار دیگر برخی نکات را که درباره «روش تحلیل هفتگی» گفته بودیم، بر مبنای شرایط امروز بازار، تمرین نماییم. بدون مقدمه چینی بیشتر به سراغ تایم فریم هفتگی GBPUSD می رویم:
- اگر خاطرتان باشد قبلا گفته بودم که در تایم فریم هفتگی، بعنوان مثال هنگامیکه بازار دارای روند نزولی مناسبی باشد، معمولا تمام کندل ها آنقدر با نظم و ترتیب در کنار هم چیده میشوند، که شکلی مانند يك پلکان پیدا میکنند و معمولا هیچ کندلی حتی به قیمت سقف کندل ماقبل خود نیز نمیرسد.
- در شکل فوق نیز همانطور که ملاحظه فرمودید، در حدود سه هفته است که قیمت پوند يك سره فروکش کرده است، و قیمت فوقانی هر کندل، به ترتیب و يك به يك در سطحی پایین تر از قیمت سقف کندل قبل خود قرار گرفته است.
- به بیانی دیگر تا زمانیکه روند نزولی اخیر همچنان با قدرت ادامه داشته باشد، نقطه **HIGH** تمام کندل ها مرتبا، پایین و پایین تر خواهد آمد:



- قیمت **HIGH** آخرین کندل سبز رنگ : ۱.۶۲۹۹
- قیمت **HIGH** کندل بعدی : ۱.۶۲۱۳
- قیمت **HIGH** کندل بعدی : ۱.۶۱۵۴
- قیمت **HIGH** کندل جاری بازار : ۱.۶۰۸۵

پس بعنوان مثال اگر کسی در هفته های گذشته ، قصد داشت که با استفاده از چنین نکته ای، سطوح حساس واقع بر نمودار را برای خودش مشخص کند، میتواندست در همان ابتدای هفته ، ناحیه ای را که در مجاورت شاخ کندل ماقبل ، برای خودش مشخص کند تا بعدا در طول هفته ، نگرانی از بابت رسیدن چارت به آن قیمتهای گران را نداشته باشد.

و یا به عکس اگر قیمت به چنین اعدادی می رسید و حتی با قدرت از آن عبور می نمود،

تریدر مذکور می توانست به سرعت از تغییر روند کلی بازار ، آگاه شده و در ذهن خود زنگ پایان روند میان مدت نزولی را برای پوند به صدا درآورد.

به سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

نکته ی جالب آن است که اگر بازار از روند نسبتاً قدرتمندی برخوردار باشد، در بسیاری از مواقع ، قیمت حتی به نقطه **OPEN** کندل قبلی اش هم نمیرسد!

یعنی نه تنها نمیتواند خودش را به انتهای سقف قیمت هفته قبلی برساند ، بلکه حتی توان لازم برای بالا کشیدن خودش تا نقطه آغازین (**OPEN**) هفته پیش را نیز نخواهد داشت!

پس در چنین مواردی که بازار از يك روند قدرتمند برخوردار است، می توانید در تحلیل هفتگی آغاز هفته خودتان، يك مستطیل رنگی را از نقطه **HIGH** تا نقطه **OPEN** برای آخرین کندل بسته شده، رسم نمایید، و سپس در طول ایام هفته اخیر، از نفوذ قیمت به این ناحیه ، آرامش خاطر بیشتری داشته باشید. و بعنوان مثال هنگام تعیین حد سود پوزیشنهای **BUY** خود، انتظار افزایش قیمت تا چنین نواحی پرارتفاعی را نداشته باشید!

در شکل فوق ، چنین ناحیه ای را که از اتصال نقاط **HIGH** و **OPEN** کندل قبلی بدست آمده است، با رنگ بنفش برایتان مشخص نموده ام، و آن را با حروف **NBA** نامگذاری کرده ام!!!

البته همانطور که احتمالاً حدس زده اید **NBA** هیچ ربطی به لیگ بسکتبال آمریکا ندارد! و مخفف عبارت زیر است :

NBA = NO BUY AREA

یعنی ناحیه ای که شما اجازه **Buy** کردن در آن را ندارید، و در صورت ورود قیمت به این ناحیه ، فقط باید منتظر بمانید تا آیا بازار قصد شکستن سقف قبلی و تغییر روند کلی خود را دارد؟ یا در اثر اهمیت این سطح ،

فشار نزول آنقدر افزایش نیابد که منجر به بازگشت قیمت به منطقه قبلی شود.

فارکس به سبک
 پشوتن

بسیار خوب،

شب عید است و احتمالا هم شما و هم ما ، باید کم کم برویم و به زندگی خانوادگی خودمان برسیم!

پس با اجازه دوستان یه مقدار سرعت را ببرم بالا و از اینجا به بعد را که بیشتر جنبه دوره و تثبیت مطالب قبلی را دارد، اندکی خلاصه تر برایتان بگویم.

در پست قبلی گفتیم که یکی از کارهایی که شما باید در تحلیل ابتدای هفته خودتان انجام دهید، نقاشی کردن تعدادی مستطیل است، در نواحی خاصی که از دیدگاه شما در طول هفته میتواند برای تعیین تکلیف مسیر آتی قیمت، سرنوشت ساز و حیاتی باشد.

یکی از این نواحی همان فاصله انتها تا **OPEN** برای کندل آخر است، بویژه اگر در یک روند قدرتمند قرار داشته باشیم. اگر روند ضیف باشد ، میتوانید صرفا یک مستطیل مثلا با ضخامت ۰،۵ پپ را در نقطه **HIGH** یا **LOW** کندل قبل قرار دهید، و فقط بر روی این نواحی تمرکز بفرمایید.

ناحیه دومی که میتوانیم آن را برای روزهای بعد خودمان علامت گذاری نماییم، فاصله مووینگهای درهم تنیده و افقی ، در شکل زیر است :

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

○ یادم میاید که یکبار یکی از دانش آموزانم از من می پرسید که:

«آقا پشوتن، این مووینگهای جادویی شما ،

کلا چندتا نکته را بالاخره میتوانند به ما بگویند؟!»

و من به او پاسخ دادم که :

«عزیزمن، اگر تعداد نکاتی که این مووینگها به ما

میگویند کمتر از هزار عدد بود ، که من اسم آنها را

«جادویی» نمیگذاشتم!!»

الان نیز به شما میگویم که یکی دیگر از نکاتی که این

ابزارهای جادویی به ما نشان میدهند

(همانطور که قبلا هم اشاره کرده بودم)

ناحیه باتلاق مانند و پرمقاومتی است که در میان

مووینگهای افقی و درهم تنیده تایم فریم های بالاتر از

H4 ایجاد میگردد.

در شکل فوق این ناحیه ۱۵۰ پیپی را با رنگ صورتی

برایتان مشخص کرده ام که ابتدا و انتهای آن ، از قیمت

۱.۵۸۰۰ تا ۱.۵۶۵۰ گسترانده شده است.

(گسترانده؟؟ یا باید بگویم گسترده؟!)



به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

○ اگر خاطرتان باشد هفته پیش هم برایتان گفته بودم که عبور قیمت از این ناحیه ، احتمالا به سادگی و در یکی دو روز میسر نخواهد شد، و معمولا مسیر عبور قیمت از این ناحیه باتلاق مانند ، مسیری پر فراز و نشیب و مملو از حرکات رفت و برگشتی و اصلاحی است.

هم اکنون نیز مشاهده میفرمایید که تقریبا از دیروز که قیمت به این ناحیه نزدیک گشته ، چگونه قیمت بر سر جای خود مچاله شده و درحال تجدید قوا و تصمیم گیری برای ادامه دادن یا ندادن مسیر نزولی خویش است؟

آخرین مطلبی را هم که از تایم فریم هفتگی برای «نقشه راه» روزهای آتی خود نیاز داریم تا استخراج کنیم، سطوح حمایت و مقاومت پیش روی قیمت خواهند بود، که به شرح زیر بدست میایند:



فارکس به سبک

پشتون

- حتما توجه فرمودید که یکی از اعداد زیر را از تایم فریم ماهیانه بدست آورده ام، و واضح است که هرچه ابعاد تایم فریم بزرگتر باشد، اعتبار سطوح **حمایت-مقاومت** ان نیز بیشتر خواهد بود.

سطوح حمایت و مقاومت :

۱.۵۸۰۰ -

۱.۵۷۳۰ -

۱.۵۶۹۰ -

۱.۵۶۴۵ -

میدانم که یکی از کارهایی که تریدرها ، عاشق آن هستند همین پیدا کردن سطوح **حمایت-مقاومت** است! پس خدارا شکر الان حتما دارید حسابی کیف میکنید که: به به، عجب روش راحتی را برای پیدا کردن این سطوح پیدا کرده ایم!!

آیا هنوز قبول ندارید که این مووینگهای عزیز من ، حقیقتا برازنده صفت «جادویی» هستند!؟

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

روز سی و هفتم.
تشکیل مثلث برروی پوند :

○ سلام.

ظهر همگی بخیر. و بازهم این عید عزیز را خدمت کلیه دوستان گرامی و خانواده محترمشان مبارکباد میگوییم!

حتما میدانید که امروز بازار آمریکا **تعطیل** است، و ممکن است که حرکات کم جان و ضعیفی را شاهد باشیم.
پس پیشنهاد میکنم که بی گذار به آب نزنید،
و اگر قصد ورود به بازار را دارید صرفا با یکی از «روشهای سه گانه کاهش ریسک» و با **حجم تقلیل یافته** و
بصورت **پلکانی** وارد بازار بشوید،
تا هرزمانی که بازار زورش ته کشید و شروع به برگشتن کرد، خدایی نکرده با ضرر مواجه نشوید.

راستش، الان که داشتم از سر سیری، به چارتهای نگاه میکردم، ناگهان چشمم به نمودار پونددلار افتاد!

تایم فریم پانزده دقیقه : GBPUSD

- ملاحظه میفرمایید که پیوند تشکیل يك مثلث خیلی خوشگل (!) را داده است،
حتما میدانید که قانون مثلث ها به اینصورت است که :



اولا - معمولا در هرجهتی که شکسته بشوند ، حرکت شدیدی را در همان جهت آغاز میکنند،
و احتمالا حداقل به اندازه **ارتفاع مثلث** به حرکت خودشون ادامه خواهند داد.
دوما- مثلث های **افقی** (مثل شکل فوق) معمولا در **امتداد روند** تشکیل میشوند،
و در همان جهت هم شکسته میشوند.
یعنی اغلب يك **الگوی ادامه دهنده** روند هستند ، تا يك **الگوی بازگشتی**.

فارکس به سبک

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ بنابراین اگر امروز تعطیلات بانکی آمریکا نبود،
قاعدتا امیدوار بودیم که پوند با شکستن مثلث مذکور، حرکت بزرگی رو به سمت پایین آغاز کنه.
ولی خب، از شانس ما، امروز که اینجا عید است
و ما تعطیل هستیم و وقتمون آزادتر است،
بازار هم در اون ور دنیا تعطیل شده است، و متاسفانه زیاد همیشه به چنین حرکت‌هایی امیدوار بود!

➤ درواقع در ایام «تعطیلات بازار» همین که آدم بتواند ضرر نکنه، خودش کلی هنر کرده است!
و اگر قصد ورود به بازار در چنین روزهایی را دارید،
یا باید با حجم های خیلی خیلی کوچک وارد بشوید، یا با استاپ های خیلی بزرگ،
که در اثر حرکات اصلاحی مکرر بازار، بی دلیل با ضرر مواجه نشوید.

خلاصه درمورد شرایط فعلی پوند هم، میتوانیم فعلا يك پوزیشن **SELLSTOP** را با حجم خیلی کوچک
(مثلا يك سوم مقدار همیشه) درست در زیر قاعده مثلث قرار بدهیم.
و بعد منتظر بمانیم تا اگر بازار پایین تر رفت، با تشکیل قله ها و دره های بعدی،
بقیه پول موردنظر خودمون رو هم در بازار خرج کنیم.

یعنی کافیهست صرفا دوتا دره در بازار تشکیل بشود، تا ما بتوانیم معادل حجم **LOT** همیشگی خودمان
را وارد بازار کنیم. پس مطلقا عجله نکنید و صرفا با صبر و حوصله و مدارا با شرایط فعلی بازار،
با حرکات قیمت همراه بشوید. البته اگر اصلا حوصله ریسک کردن در چنین بازارهای کم رمقی را داشته باشید!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

روز سی و هفتم.

○ سلام!

این هزارمین پست ارسالی من در این سایت است!

یعنی از امروز - نه ، درواقع از همین لحظه! - من هم به جمع کاربران «هزاره» پیوستم!

راستش خیلی فکر کردم که این هزارمین پست را -

که قاعدتا باید ارزش آن به اندازه هزار پست قبلی ام باشد! -

به چه چیزی اختصاص بدهم ، که شایستگی آن را داشته باشد؟

اما هرچه فکر کردم دیدم حاشا که هیچ چیز دیگری نخواهد بود ،

غیر از تقدیم این پست به شما!

میدانم که قابل شما را ندارد.

ولی اجازه دهید تا این متن را صرفا به سپاس و قدردانی از شما اختصاص بدهم :

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :

- شما که چندین سال است که مشوق و پشتوانه من در تمامی فعالیتهای فرهنگی و آموزشی ام بوده اید.
- شما که همواره جز عشق و صفا و معرفت ، چیز دیگری نثارم نکرده اید،
- شما که بهترین دوستان و عزیزترین یاران من ، حتی در مقایسه با دنیای واقعی ام ، بوده اید،
- شما که هر زمان که به دلگرمی نیاز داشته ام، دلگرم ساختید،
- و هر زمان که باید به پیش می رفتم، به پیشم رانیدید.
- شما که هر زمان که به تشویق احتیاج داشته ام، مشوقم بودید،
- و هر زمان که تردید کرده ام ، دلیل و برهان من شده اید!
- شما که هر زمان که راهم را گم کرده ام، مرشد و راهنمای من شده اید،
- و هر زمان که احساس ضعف کرده ام، چون کوه پشت من ایستاده اید.
- شما که هر زمان که دلم گرفت ، سنگ صبور من بودید،
- و هر زمان که به زیر تیغ تنگ نظران بودم، سپر بلایم شده اید.
- نمیدانم از معرفت و محبت شما چه بگویم، که خودتان دریای معرفتید ،
- و از صدق و صفایتان چه بگویم، که تندیس سخاوتید .
- از شما چگونه تشکر کنم ، که شما لایق آن باشید؟
- و در وصف شما چه بنویسم ، که آن لایق شما باشد؟
- اجازه دهید فقط همین را بگویم که
- دست همه شما را می بوسم،
- و به خودم افتخار میکنم که دوستانی چون شما دارم.
- تمام این هزار پست که سهل است،
- همه نوشته های زندگی ام ، تقدیم به شما باد!
- موفق و پیروز باشید.



به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس

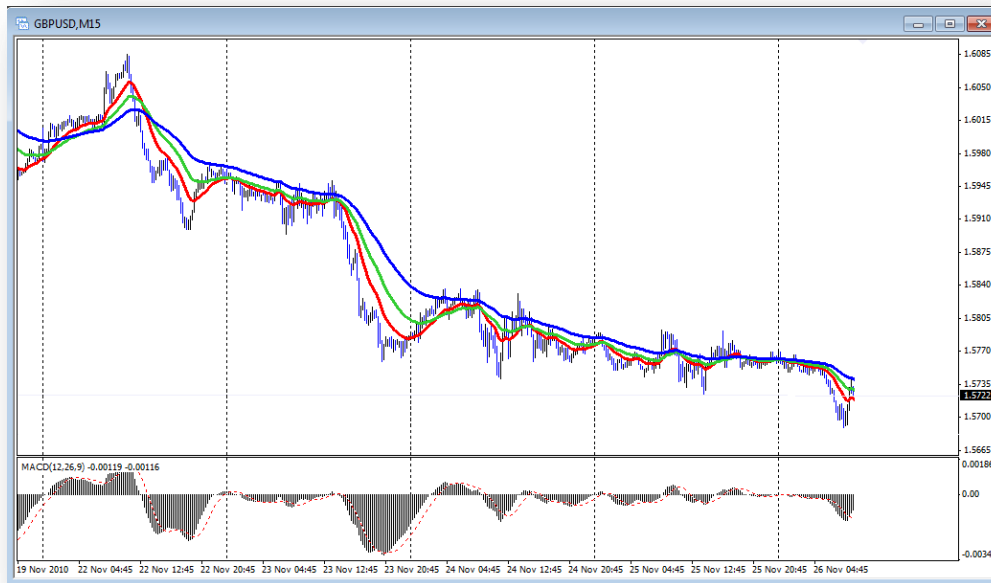


بازنشر

عید غدیر

○ سلام و ظهر جمعه همه دوستان عزیز و بامرام بخیر!

لطفا بدون مقدمه ، به شکل زیر - که مسیر حرکت پوند دلار را در هفته ای که گذشت نشان میدهد - دقت بفرمایید.
پوند دلار تایم فریم ۱۵ دقیقه:



فکر میکنید اگر این پوند طفلکی «زبان» داشت! چه چیزهایی را درباره خودش و خاطراتش از حضور يك هفته ای خود در بازار، برای شما تعریف میکرد؟!

لطفا کمی تامل کنید و پیش از آنکه ادامه مطلب را بخوانید ، فرض کنید واقعا نمودار فوق می توانست به شیوایی و حتی با زبان شیرین فارسی (!) با شما سخن بگوید !

به نظر شما صرفا برمبنای همین يك تصویر ، چند نکته را میتوانستید درباره وقایع هفته اخیر ، از زبان او بشنوید؟! بسیار خوب، نگران نباشید!

خوشبختانه من يك نرم افزار «مترجم» در کامپیوتر شخصی ام دارم

که میتواند حرفهای این زبان نفهم وحشی (!) را برایمان به راحتی ترجمه و تفسیر کند!

ملاحظه

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:



البته ابتدا این را بگویم که اگر در این مدت دقت کرده باشید ، من همیشه گزینه مربوط به «رسم خط چین های عمودی» را بر روی چارتم فعال میکنم، تا این خطوط بر روی همه تصاویرم وجود داشته باشند. دلیل آن هم این است که باتوجه به آنکه فاصله بین هر دو خط چین متوالی ، دقیقا بازه زمانی يك روز کامل را نشان میدهد (البته فقط در تایم های پایین تر از H4) که از قضا با روز و شب تهران نیز تقریبا همخوانی دارد. بنابراین صرفا با يك نگاه متوجه میشوم که بعنوان مثال تك تك روزهای هفته اخیر برای پوند چگونه گذشته اند؟ و مسیر قیمت در هر روز خاص چگونه بالا و پایین گشته است؟ حالا که خوب فکر های خودتان را کرده اید، پس اجازه دهید تا برخی از این نکات را برای تان بگویم تا ببینید کدام ها را خودتان بدرستی حدس زده بوده اید:

فارکس
په سبک
پشوتن

در تصویر فوق، ایام هفته را برایتان نام گذاری کرده ام. یعنی از دوشنبه که بازار باز شد تا همین جمعه فعلی. لطفا از جای خودتان بلند شوید و يك مقدار عقب تر بروید، و نگاهی از بالا و بدون تعصب(!) به چارت فوق ببینید! اکنون که هفته جاری را پشت سر گذاشته ایم.

فکر میکنید که آیا کدام روزها بطور کل برای ترید کردن شرایط بهتری را داشته اند؟!

در کدام روزها باید **SELL** میکردیم؟ و در کدام روزها **BUY**؟!

و از همه مهمتر آیا روزهایی هم بوده اند که اصلا ارزش ترید کردن،

و استهلاك وقت و انرژی و بویژه سرمایه مان را نداشته باشند؟!

بگذارید بدون تعارف بگوییم! تقریبا غیراز روزهای دوشنبه و سه شنبه، که بازار به وضوح در **مسیری نزولی** حرکت میکرده،

تقریبا در باقی ایام هفته (لااقل تا این لحظه) اصلا ارزش ترید کردن و وقت گذاشتن را نداشته است!

واضح است که نیت اصلی معامله گران بازار در این هفته، کاهش سطح قیمت به اعداد پایین تر و ارزان تری بوده است.

و از همان ابتدای هفته صدای «نچ نچ» شان بلند بوده است که: «نه، این قیمت های برای پوند گران است»!

و فی الواقع غیر از آن حرکت صعود کوچکی که از لحظه بازگشایی تا ظهر روز دوشنبه شاهد بوده ایم،

باقی ایام هفته را بازار يك سره در روندی نزولی بوده است. (دقت بفرمایید که دقیقا به همین دلیل است که یگوییم؛

دوشنبه صبح ها را که معمولا بازار بی دلیل برخلاف جهت رونداصلی اش حرکت میکند، ترید نکنید!)

اگرچه مووینگها تقریبا در کل هفته، وضعیتی نزولی داشته اند، اما در سه روز پایانی هفته، آنچنان قیمت در ناحیه ای

مثلی شکل، فشرده گشته است که انجام معاملات **SELL** بدون آنکه استاپ لاس را در نقاطی بسیار دوردست و ایمن

قرار داده باشیم، امری بسیار خطرناک و پر ریسک بوده است.

احتمال آن زیاد است که اگر به پرفورمنس های تریدرهای آماتور نگاه کنیم،

بسیاری از آنها صرفا در همین دو روز پایانی، بخش اعظمی از موجودی اکانت خود را

در اثر اس

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ متاسفانه اغلب تریدرهای نوآموز که هنوز بر احساسات انسانی خود تسلط نیافته اند، پس از مواجه با صرفا چند استاپ و حدضرر متوالی ، آنچنان روح و روانشان بر هم میریزد که انضباط خود را بطور کامل از دست داده و با زیر پا گذاشتن کلیه آموخته ها و قوانین قبلی شان ، شروع به گرفتن پوزیشنهایی مکرر و مسلسل وار (بصورت یکی **Sell** و دیگری **Buy** می نمایند!)

و هر بار که هر پوزیشنی با ضرر بسته میشود، با این امید که حتما روند بازار تغییر کرده است(!؟) پوزیشن بعدی را بی دلیل و بدون هیچ سند و مدرکی ، صرفا برای جبران مافات ضررهای قبلی، دقیقا برعکس پوزیشن قبل و درخلاف جهت آن میگیرند و الی آخر وباتوجه به اینکه بازارهای رنج ، مملو از حرکات اصلاحی کوتاه و رفت و برگشتی هستند، متاسفانه نتیجه و عقوبت کار ایشان ، کاملا مشخص خواهد بود !

خلاصه آنکه طبق آنچه در تصویر فوق مشاهده میکنیم (مگر آنکه امروز بازار حرکت بزرگی را انجام داده و جبران مافات کند؟) تا این لحظه از کل ایام هفته اخیر ، صرفا دو روز ابتدایی آن برای ترید کردن مناسب بوده است. بهرحال باید پذیرفت که هرشغلی ، شرایط و ویژگیهای خاص و منحصربفرد خود را دارد. و شما نمیتوانید صرفا مزایای آن را بپذیرید و از معایب آن فرار کنید!

بعنوان مثال اگر يك نفر پزشك باشد یا جراح ، باید قبول کند که درازای دریافت دستمزدهای آنچنانی، مجبور است بسیاری از شبها را ، بیدار و گوش به زنگ بماند، تا به محض درخواست بیمارستان ، از تخت خواب گرم و نرم بیرون پریده و بلافاصله خودش را به آنجا برساند.

شما هم اگر میخواهید فارکس را بعنوان شغل اصلی خود انتخاب کنید،

باید بپذیرید که این ویژگی تفکیک ناپذیر این کار است!

که میزان درآمد شما را ، خودتان تعریف نمیکنید!

بلکه يك کارفرما دارید بنام «بازار»! که بدقول ترین و بی نظم ترین کارفرمایان است!

ممکن است بدون توجه به اینکه آخر ماه است و شما باید خرج خانه یا اجاره منزل خود را بدهید،

برای چندین روز متوالی در شرایط رنج و NTZ فرورود، و ذره ای هم دلش برای جیب خالی شما نسوزد!

و از آن طرف هم ممکن است در يك هفته خاص، صرفا با يك یا دو روز کار کردن ،

و چه بسا حتی فقط در عرض چند ساعت ، به اندازه کل درآمد يك هفته شما را ، یکجا بپردازد،

و باقی ها

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشره

باید با خودتان رو راست باشید، و بپذیرید که هر شغلی،
مزایا و معایب خاص خودش را دارد.
و شما نمیتوانید صرفا مزایای آن را دوست داشته باشید،
و از معایب آن چشم پوشی کنید!
و این هم شغل شما است :
فارکس!
با همه خوبی ها و بدی هایش.
شغلی که وقت، کار و درآمد شما،
بدست بدقول ترین و بی ملاحظه ترین کارفرمایان است!
شغلی که صرفا ظرف يك روز،
باید به اندازه يك هفته خود، درآمد کسب نمایید .
و باقی هفته را صرفا به انتظار و نظاره بازار بنشینید!



۲- رکوردهای روزانه قیمت - سقف و کف روز قبل :

قبلا برایتان گفته بودم که «سقف و کف قیمت در روز قبل» سطوح بسیار مهمی هستند چون سرمایه گذاران بزرگ بازار، که معاملات بلند مدت انجام میدهند، به این نکته که آیا قیمت ، رکوردهای روز قبلش را شکسته است یا نه؟ خیلی اهمیت میدهند.



در شکل فوق هم به زیبایی مشاهده می فرمایید که علی رغم تمام بازار رنج و کم رمقی که در کل هفته داشته ایم، با اینحال هر روز «سقف قیمت» نسبت به «سقف روز قبل خود» اندکی پایین تر آمده است. که میزان کاهش در روزهای ابتدایی هفته بیشتر بوده است، و در سه روز پایانی هفته که بازار کم جانی را شاهد بوده اید، مقدار پایین آمدن «سقف روزانه» کمتر شده ولی بازهم وجود داشته است.

اگر در هر يك از این روزها ، مشاهده میکردیم که قیمت موفق به شکستن «سقف روز قبل» خود گشته است، می توانستیم برای روز بعد آن ، انتظار بازاری تغییرجهت یافته ، و یا لاقط شروع اصلاحات کوتاه مدت صعودی را داشته باشیم.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

۳- مثلث :

همانطور که دیروز برایتان گفته بودم،

چند روزی است که قیمت در يك مثلث افقی (سبزرنگ) گیر افتاده و مچاله شده است.

درحالیکه قیمت تمایل فراوانی برای شکستن ضلع تحتانی این مثلث داشته و به کرات به آن حمله برده است.

اما بدلیل تعطیلی بازار و کاهش فشار نزولی، همچنان موفق به شکستن این مثلث و بیرون جهیدن از آن ، نشده است.

طبق اصول کلاسیک تحلیل تکنیکال ، در صورت نفوذ قیمت به قاعده مثلث ، حرکت بزرگ نزولی شکل خواهد گرفت که

ابتدا به اندازه ارتفاع مثلث و پس از آن به اندازه نسبتهایی چون ۱.۶ و ۲ و به سقوط ازاد خود در همان راستا

ادامه خواهد داد!

دیروز گفته بودم که اگر کسی تمایل دارد، میتواند يك پوزیشن **SELLSTOP** را درست در زیر قاعده مثلث مذکور،

تعریف نماید ولی باتوجه به رنج بودن بازار توصیه کرده بودم که حتما حدضرر خود را در نقطه ای بسیار دور دست

و بعنوان مثال در سقف روز قبلی جای گذاری نمایید.

که به این منظور لازم می شد تا برای رعایت کردن حداکثر ریسک مجاز ، حجم پوزیشن خود را به مقدار کافی

کاهش دهید. (که پیشنهاد بنده يك سوم حجم استاندارد بود)

حتی هنوز هم اگر کسی جرات پوزیشن گرفتن در عصرهای کسالت بار جمعه را داشته باشد،

باتوجه به نزدیکی ۴۰ پیپی به نقطه شکست مثلث ، امکان ورود در زیر دره های تایم فریم های پایین

چون M5 و M1، مهیا میباشد.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :

بررسی هفتگی پوند - نگاه به گذشته(ادامه) :

- امروز کلا دو نکته مهم را برایتان خواهم گفت!
يك نکته را الان درباره «قدرت بازار» ،
و نکته دیگر را هنگام ارایه پاسخ تشریحی مسابقه هفتگی ، درباره «استاپ لاس»!
اجازه دهید تا برای آنکه تصویر قبلی جلوی چشممان باشد ، یکبار دیگر آن را برایتان تکرار نمایم :
- تکرار شکل قبلی - تایم فریم پانزده دقیقه :



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

سه نکته را که تاکنون گفته ایم، پس این میشود شماره چهارم.

۴- تشخیص قدرت بازار با استفاده از مکدی:

به وضعیت مکدی در طول هفته گذشته نگاه کنید.

چه تفاوتی را در وضعیت آن برای دو روز خوب ابتدای هفته، و سه روز رنج پایانی هفته، مشاهده میکنید؟!

درست حدس زده اید. اندازه قله ها و دره ها!

درواقع مکدی یکی از هزار نکته ای را (!) که قادر است به ما نشان دهد، همین مقوله «**قدرت بازار**» است.

که آن را با اندازه قله ها و دره های خود نشان میدهد.

به شکل اندیکاتور مذکور در سه روز پایانی هفته دقت کنید!

ببینید که انگار اندازه قله ها و دره های آن به تدریج آب رفته باشند! چگونه مدام کوچک و کوچکتر شده اند!

و نهایتا هم مکدی در يك ناحیه بسیار تنگ و فشرده (که آن را با **مستطیل قرمز رنگ** نشان داده ام)

خودش را محصور و محدود کرده است.

این یکی از خواص مهم مکدی است که میتوانید از اندازه ناحیه ای که در آن محصور شده و نوسان میکند،

پی به میزان قدرت و انرژی موجود در بازار ببرید.

➤ نکته: اندازه قله ها و دره های مکدی، نشانگر میزان **قدرت و انرژی** موجود در بازار می باشد.

هرگاه مکدی به ناگهان خودش را در ناحیه ای تنگ و کوچک، محصور نماید به معنی آن است که

بازار تمام انرژی خود را ازدست داده،

و وارد يك فاز «رنج» و «بی جان» و «بی رمق» گشته است!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

○ معمولا در چنین شرایطی که مکدی خودش را جمع میکند، و مانند يك حلزون در لاک خودش فرو میرود! می توانید تعداد فراوانی از واگرایی های جور واجور را در نمودار خود پیدا نمایید، که من در شکل فوق صرفا دوتا از آنها را برایتان رسم کرده ام و با **اعداد ۱ و ۲** آنها را نام گذاری نموده ام. بدیهی است که چون اندازه قله ها و دره ها، به تدریج و یکی پس از دیگری، مرتبا کوچک و کوچکتر میشود، پس هر کدام از آنها را که نسبت به دیگری قیاس کنید، میتواند نشانگر وجود يك واگرایی واضح و آشکار باشد.

لطفا این نکته را نخوانید!

آن دسته از دانشجویانی که قوی تر هستند، حتما تاکنون متوجه شده اند که آن نکته ای را که قبلا درباره «**موج مقلد و موج قدرتمند**» گفته بودیم، در ارتباط تنگاتنگی با موضوع «**واگرایی در مکدی**» است. اما مشکلی که احتمالا با آن روبرو گشته اند، این بوده است که در برخی از مواقع، درست در لحظه ای که باید برای ورود یا عدم ورود به بازار تصمیم میگرفته اند، هنوز مکدی تشکیل قله یا دره جدید و کاملی را نداده بود، و لذا قدرت تصمیم گیری بر مبنای آن را نداشته اند؟ امروز میخواهم به این عزیزان نکته جدیدی را بگویم،

➤ اینکه اگر با تمرین چشمی فراوان، پی به ارتباط بین اندازه قله ها و دره های مکدی با «**قدرت بازار**» ببرند، دیگر لازم نیست برای تشخیص وقوع **يك واگرایی** تا تشکیل شدن **يك قله کامل** صبر کنند. بلکه میتوانند واگرایی را کنار گذاشته، و صرفا بر مبنای اندازه گیری میزان «**قدرت**» و «**انرژی**» موجود و جاری در بازار، درباره ادامه مسیر احتمالی قیمت، و بزرگی حرکتی که مارکت توان انجام آن را دارد، درباره ورود یا عدم ورود خود به بازار، تصمیم گیری نمایند.

يك بار دیگر تاکید میکنم که همانطور که قبلا گفته بودم، اکنون که ما در مرحله جدیدی از آموزش قرار داریم و خوشبختانه «سطح مقدماتی» را پشت سر گذاشته ایم، دیگر لازم نیست که تمام نکات و ریزه کاریها را من شخصا بطور کامل و واو به واو برای شما بگویم! بویژه که ممکن است باعث گمراهی و سردرگمی عزیزانی شود که هنوز تسلط کافی به مطالب پیدا نکرده اند،

بنابراین صرفا به اشاره ای سریع و مختصر بسنده میکنم، و عزیزانی که اشتیاق و انگیزه لازم را در خود م

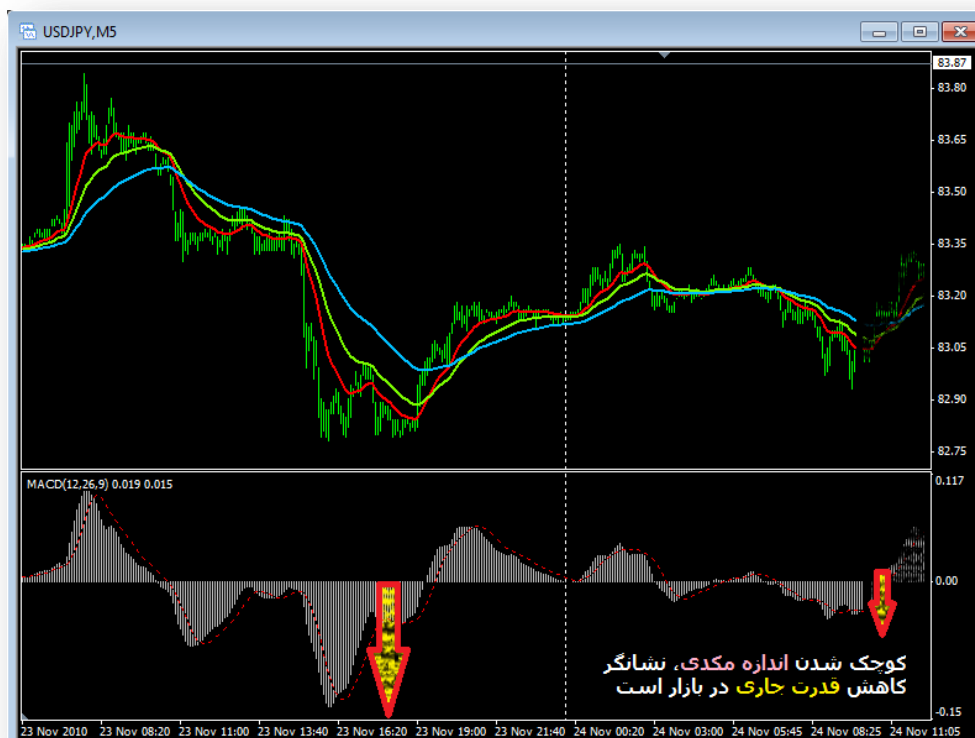
پند.



مگر نگفتم این نکته را نخوانید ...!؟

○ راستش هرچه فکر میکنم ، میبینم که این «دانشجویان قوی تر» هم طفلکی ها گناه دارند! چون درست است که قرار شد من توضیح مفصل تر ندهم. ولی بهرحال ایشان نیز که بنده های خدا ، علم غیب ندارند! پس شاید لازم باشد حداقل يك «نمودار» را هم بعنوان مثال و الگویی کلاسیک ، برای این عزیزان ارایه کنم. تا انشالله بهتر متوجه عمق مطلب بشوند.

در شکل زیر - که اتفاقا متعلق به همین یکی دو روز پیش است - هنگام ورود به بازار و قرار دادن پوزیشن **SellStop** در زیر آخرین دره، هنوز مکدی فرصت کافی پیدا نکرده است تا خودش را به خط صفر نزدیک ساخته و ما را از تشکیل يك دره کامل و معتبر آگاه نماید:



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

○ يك تریدر كهنه كار ، كه قبلا چشمش به حرکات مكدی عادت کرده است، به سرعت متوجه میشود كه اندازه قله ها و دره های واقع بر نمودار ، مرتبا کاهش یافته و كوچك و كوچكتر شده اند.

و چون میدانند كه در شرایط فعلی هرچقدر هم كه مكدی زور خودش را بزند و كش بیاید(!) قادر نخواهد بود خودش را به سطح دره بزرگ قبلی برساند، لذا بجای آنكه برمبنای وقوع واگرایی (كه هنوز موعده تشخیص آن فرا نرسیده است) تصمیم به عدم ورود به بازار بگیرد.

برمبنای اندازه گیری **سطح انرژی جاری در ماركت**، و باتوجه به **كاهش قدرت بازار**، از خیر این موقعیت نسبتا مناسب گذشته و عطای آن را به لقایش میبخشد!

لطفا به این دو نکته مهم دقت بفرمایید:

۱- این موضوع را - یعنی كوچك شدن اندازه مكدی - مطلقا نباید صرفا برمبنای مقایسه دو قله یا دو دره خاص و متوالی ، در نظر بگیرید!

بلكه «كاهش تدریجی انرژی بازار» يك واقعه نسبتا طولانی مدت است، كه طی چندین قله و دره ، كه بطور متوالی دركنار يكدیگر چیده شده اند و مرتبا كوچك و كوچكتر میشوند، بوقوع میپیوندد.

و موجب میشود تا بازار برای مدت زمانی (مثلا چند ساعته) وارد يك فاز «رنج و بی رمق» گشته و برای مدتی صرفا حرکاتی ضعیف و اصلاحی را انجام دهد.

➤ به عبارت دیگر وقوع «واگرایی» در يك **لحظه** رخ میدهد، درحالیكه مقوله «**كاهش قدرت بازار**» يك فاز است كه برای مدت زمانی نسبتا طولانی ادامه خواهد یافت!

۲- اگر این همه تاکید میكنم كه صرفا دانشجویان قوی تر این مطلب را بخوانند، بخاطر این است كه بسیار نگران هستم كه نكند تریدرهای نوآموز از این به بعد به اشتباه هر قله و دره تشكيل نشده و نصفه نیمه ای را كه مشاهده كردند، بلافاصله عجله کرده و آن را به حساب «**كاهش انرژی بازار**» ویا مثلا «**وقوع زود هنگام يك واگرایی**» بگذارند!

یعنی دقیقا همان مشكلی كه بنده تا همین چند هفته پیش با شما داشتم.

كه كلی زحمت كشیدم تا این مطلب را برایتان جا بیاندازم، كه:

➤ **برای تشخیص يك واگرایی مطلقا نباید عجله بفرمایید!**

و باید انقدر منتظر بمانید تا مكدی خودش را به نزدیکی خط صفر رسانده ،

و يك قله

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

- پس اگر هنوز هم احساس میکنید که این نکته جدید ، با آن نکته قبلی در تضاد و تناقض است، و پی به تفاوت ظریف میان این دو نبرده اید، خواهش میکنم که بدون ذره ای دلوپسی – تاکید میکنم بدون ذره ای نگرانی، تعارف یا دلوپسی - بطور کامل آن را کنار گذاشته و از خیر خواندن کل این پست وهمچنین پست قبلی ، با خیال راحت بگذرید!

خلاصه از ما گفتن بود ، خود دانید:

باور بفرمایید که بدون دانستن این نکات ریز و بظاهر پیچیده هم، میشود به راحتی در این بازار سود کرد و از ترید کردن در آن لذت برد! صرفا کافی است بپذیرید که از ۵ پوزیشن شما ، یکی باید استاپ بخورد! توجه فرمودید: حتما باید استاپ بخورد! اتفاقا هرچه موضوع را برای خودتان - بی جهت - پیچیده تر نمایید، از راندمان کیفی و کمی شما ، شدیدا کاسته میگردد!

فارکس را برای خودتان بیهوده پیچیده نسازید!

نکات جدید را صرفا تا همان جایی یاد بگیرید، که احساس میکنید ذهن و چشم و سیستم ترید شما ، به سهولت و راحتی ، آمادگی لازم برای دریافت و فهم آنها را دارند.

به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

آغاز سطح دوم - تریدر نیمه حرفه ای :

○ اگر این دوره آموزشی صد روزه را به سه بخش مساوی تقسیم کنیم،

روند تکاملی يك تریدر در این صد روز ، به صورتی شبیه به سطوح زیر ، تفکیك خواهد شد:

مرحله اول - دوره مقدماتی (۳۳ روز) : تریدر سطح اول **(مبتدی)**
مرحله دوم - دوره متوسطه (۲۴ روز) : تریدر سطح دوم **(نیمه حرفه ای)**
مرحله سوم - دوره پیشرفته (۳۳ روز) : تریدر سطح سوم **(حرفه ای)**

هم اکنون که خداراشکر با تلاش و اشتیاق فراوانی که از خود نشان دادید، و این ۵۲ صفحه را ، پا به پای بنده، بارها و بارها مطالعه کرده و پیش آمدید، بطور قطع میتوان امیدوار بود که فاز اول این روند را (یعنی همان دوره مقدماتی) با موفقیت پشت سر گذاشته باشید، و هم اکنون نیز انشالله درحال پا گذاشتن به «سطح دوم» و تبدیل شدن به يك «تریدر نیمه حرفه ای» هستید.

البته اگر بخواهم صادقانه بگویم، واقعیت آن است که دوره مقدماتی شما تقریبا از همان «روز بیست و پنجم» که «جشن ربع دوره» را برگزار کردیم، به پایان رسیده بود! و اتفاقا اگر متوجه شده باشید،

از آن به بعد بود که سرعت و فشردگی آرایه نکات و مطالب جدید، اندکی افزایش یافت، و حتی شاید برای برخی از دوستان عزیز (که شاید هنوز به آمادگی کامل نرسیده بودند) اندکی سطح مباحث، پیچیده و دشوار به نظر رسید.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :

اعطای گواهی طی دوره مقدماتی فارکس

بدینوسیله ، با مسرت و سرور فراوان ، به اطلاع میرساندکه :
جناب آقای/خانم با حضور فعال و مستمر خود در دوره ی ۳۳ روزه ی
آموزش فارکس به سبک پشوتن-سطح مقدماتی ، این دوره را با موفقیت پشت سر گذاشته و اینک به مقام کیفی
تریدر سطح اول نایل گردیده است.

صاحب گواهی فوق از این پس میتواند با افتتاح یک حساب میکرو با موجودی اولیه \$۱۰۰ و با انجام معاملاتی دو
بخشی، با حجم مجاز ۰.۰۱ لات ، به کسب تجربه در دنیای شگفت آور تریدینگ بپردازد.

اعتبار این گواهی توسط جناب آقای استاد پشوتن مشهوری نژاد شاگرد جناب مستطاب
استادباباشونای کبیر تایید گردیده و بدون مهر و امضای هردوی ایشان فاقد اعتبار قانونی است.

- گواهی مذکور مورد پذیرش کلیه نهادها و موسسات دولتی و بین المللی بوده و قابل استفاده به هرمنظوری به غیر از
مدیریت سرمایه ویا جذب سرمایه از دیگران می باشد.

به امید موفقیت روز افزون شما

.....

امضای اول:

پشوتن مشهوری نژاد

امضای دوم:

استادبابا کریشناپشونامشونا

abbas67set, Ahmad-Ali, ALFRED, alrajaie, alzai, apadana_s2000, arshiaaziz2000, artavile, barsam, Behnam_Mi, bemo, bigjam, civcad11, davari_2009, evari, Faghhih, farhad10, FIREBIRD,
forexrsd, forexwork, frankbandari, fxpesaran, FXRAMIN, goli, hamed3300, Hitman, hopeful, imahi, kenareh, khalijafari, khozaei-p, kimforex, kooroshfs, land, Lord jat, m150, mahyar_bt,
majid61, majk, mamal, MARYAM56, masoud123, masoudboy, me.trader, Mehdi100, mehdi20, mehdi747cnc, Mehrdad-FX, meyt60, mjkmj, mm95, mohsen124, moshaver, OKEY,
omidhaghtalab, pro_forexer, qwertyuiop

74 تشکر کننده از pashootan:

باک کردن تشکر شما

ab, vill,
Wanka



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

❖ از «تریدر سطح اول» که «دوره مقدماتی» خودش را با موفقیت پشت سر گذاشته است، انتظار داریم که :

۱- بتواند يك حساب باموجودی بين ۱۰۰ الی ۲۰۰ دلار را برای خود باز کند

(البته حتما بوسیله IB افتتاح حساب کنید.

بعدا که به مقوله مدیریت سرمایه به روش بنده برسیم ، (دلایل آن را خدمتان خواهم گفت)

۲- پوزیشنهایی را با حجم ۰.۰۲ (یعنی بصورت دوگانه و با دوبرخش هرکدام به حجم ۰.۰۱)

برروی حساب خود بگیرد.

۳- حد سود پوزیشنهای خود را از ۲۰ تا نهایتا ۷۰ پیپ انتخاب نماید.

۴- حد ضرر پوزیشنهای خود را از ۲۰ تا نهایتا ۳۰ پیپ انتخاب نماید.

۵- برای موقعیت هایی که نیاز به استاپ های بزرگتری (از ۳۰ تا حداکثر ۷۰ پیپ) دارند

ازروش «ورود به موقعیت های پرخطر» استفاده کند.

۶- بامطالبی که آموخته است، در تایم فریم های M15 تا M1 به ترید کردن بپردازد

وفعلا به سراغ ترید در تایم های بالاتر نرود.

۷- بطور معمول از هر ۵ معامله ای که انجام میدهد،

تعداد ۲

۸- در هر روز بطور متوسط بین ۵ الی ۱۰ معامله انجام دهد. (صرفا با فرض مساعد بودن شرایط بازار)

۹- اگر خوش شانس بود ، بطور متوسط در هر روز بین ۵ تا ۱۰ دلار سود کند.

۱۰- در بدترین روزهای کاری اش، حداکثر ۱۰ الی ۱۵ دلار ضرر کند.

۱۱- اگر در يك روز خاص، مجموع ضررهایش به ۱۰ الی ۱۵ دلار رسید، ترید کردن را برای آن روز ، بطور کامل متوقف کرده و به تفریح و استراحت و مطالعه بپردازد. (که به این مقدار حد ضرر روزانه میگوییم)

۱۲- هر روز يك الی سه ساعت را به مطالعه سایتها و منابع آموزشی تریدینگ بپردازد.

۱۳- روزها را از ساعت ۱۰ تا ۱۳ و بعد از ظهرها را از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در حال ترید کردن باشد.

۱۴- هرگاه مجموع سودهای روزانه اش به ۵۰ الی ۱۰۰ هزار تومان رسید، حتما از IB بخواهد که آن را بلافاصله برایش برداشت نماید.

۱۵- هرگاه مجموع ضررهای چند روز متوالی اش به ۳۰ الی ۵۰ هزار تومان رسید، معادل آن را به حساب IB بریزد و از او بخواهد که (برای فردا صبح) اکانتش را شارژ نماید.

۱۶- هرگاه موفق شد برای دو بار متوالی موجودی حسابش را دوبرابر نماید، میتواند از آن به بعد موجهی حساب خود را اندک افزایش داده

و بعنوان **بازنشر** :

مرجع آموزش بورس

@abcBourse_ir

abcBourse.ir



به
سبک

فارکس

پشتون

اگر انشالله «تریدر سطح يك» با حرف شنوی کامل، به تمامی قوانین و ضوابط گفته شده پایبند مانده و موفق به زنده نگه داشتن خود در این بازار گردد، قاعدتا و درحالت عادی بین سه تا شش ماه بطول خواهد انجامید تا این دوره را نیز با موفقیت پشت سر بگذارد.

در پایان این دوره شش ماهه ، تریدر مذکور موفق شده است تا به مجموعه ای از قوانین و روشهای شخصی، که کاملا جنبه اختصاصی و منحصر بفرد را برایش داشته ، و آنها را صرفا بر مبنای علایق، صفات و ویژگیهای شخصی خویش طراحی نموده است ، دست یابد.

هیچ روشی در دنیا وجود ندارد
که تمام موقعیتهایی را که برای ما تعریف میکند،
بطور کامل و در صد درصد مواقع ،
با حد سود خود به بار نشاند،
و در واقع بهترین تریدرهای دنیا
نیز کسانی هستند که صرفا :
اولا - از هر پنج معامله ،
تعداد ۴ پوزیشن خود را با سود به پایان برسانند.
دوما - ضرر تك پوزیشن زیانده ایشان،
آنقدر بزرگ نشود
که مجموع تمام سودهای دیگر را از بین ببرد!

به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

نفس عمیقی میکشم، و خدا را شکر میکنم :

خدایا از صمیم قلب راضی ام . . . !

خدایا تو را شکر میگویم ،

که «رحمتت» از «ایمان» ما بندگان بیشتر است.

خدایا تو را شکر میگویم،

که امروزم را نیز به اندازه حقوق سه کارمند عالی رتبه ، به من یکجا روزی رساندی.

خدایا تو را شکر میگویم،

که من را در حرفه ای گماری ، که افسار زندگی ام به دستان توانای خودم باشد.

خدایا تو را شکر میگویم ،

که شغلی را به من آموختی ، که اگر صبح را اندکی دیرتر بر سر کار حاضر میشوم،

واهمه تحمل نگاه چشمانی تنگ نظر را نداشته باشم.

خدایا تو را شکر میگویم،

که به من دانشی را عطا فرمودی، که سرمایه و ثروت و حال و احوالم با آرای شخص

دیگری بالا و پایین نشود.

خدایا تو را شکر میگویم،

که قناعتی را در دلم کاشتی، که به هرچه بر کفم می رسد، از صمیم قلب راضی

باشم، و هرچه از کفم می رود، چشم حسرت و انتظار به بازگشت آن ندوزم.

خدایا تو را شکر میگویم ،

که پیشه ای را بر سر راهم گذاشتی، که فرزندانم - چون من - طعم

تلخ فراز و فرودهای زندگی را نچشند.

و تو را شکر میگویم ،

که تو



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :